



هناج



هالیاتی



در کشور



سوء



در رابطه با منابع مالیاتی و تامین هزینه‌های اداری کشور، ممالک امروزی جهان را میتوان به سه دسته گروه‌بندی نمود.

۱ - کشورهایی که فعالیت‌های اقتصادی در آنها آزاد بوده و بطور کلی بخش خصوصی نقشی تعیین کننده در آنها ایفا میکند.

۲ - کشورهایی که فعالیت‌های اقتصادی درید قدرت دولت میباشد که تولید و توزیع و مصرف صورت نمیگیرد مگر آنکه رای و نظر دولت بر آن حاکم باشد.

۳ - کشورهایی که فعالیت‌های اقتصادی در آن توسط دو بخش خصوصی و عمومی (دولتی) انجام می‌پذیرد. در گروه نخست برخی دولت‌ها بدون هرگونه دخالتی، بر کل امور اقتصادی مردم نظارت دارند و در نتیجه برای تامین هزینه‌های اداری خود به درآمد هائی منکی هستند که از راه وصول مالیات بر درآمد توسط اشخاص حقیقی و حقوقی به دست می‌آید.

در گروه دوم از آنجا که امور تولید، توزیع و مصرف توسط خود دولت انجام میگیرد و مردم اعم از تولید کننده، توزیع کننده و مصرف کننده بصورت عامل با کارگزاران دولتی عمل میکنند در نتیجه تعیین قیمت‌ها اعم از مواد اولیه و کالاهای مصرفی در دست دولت بوده و طبیعی است که حق دولت هر چه باشد اعم از اینکه عادلانه یا غیر عادلانه باشد در بطن و متن این بده و بیستانها وصول میشود. که در واقع باید گفت همه چیز در اختیار دولت

است و بیک عبارت از لحاظ تامین هزینه‌های اداری مملکت مسئله‌ای پیش نمی‌آید زیرا کشاورزان و صنعتگران در چنین سیستمی از فعالیتهای اقتصادی کالا اعم از خام و قابل مصرف را با قیمتی می‌خرند و یا می‌فروشند که دولت تعیین کرده باشد.

وسرانجام در گروه سوم دولت برخی از نیازهای مالی خود را توسط بخش عمومی (دولتی) که در اختیار خود دارد برآورده ساخته و از محلول مالیات از بخش خصوصی کسری هزینه‌های اداری‌اش را جبران می‌سازد.

● مالیات بر درآمد

همانگونه که از این عنوان مستفاد می‌شود مالیات باید از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی دریافت شود که از حاصل کار و فعالیت خود مازاد بر هزینه متعارف و شناخته شده و قانونی درآمدی داشته باشند که آنرا پس انداز یا بمصارف غیر متعارف و تجملی می‌رسانند و یا اینکه این مازاد را برای درآمدهای بیشتر در کار و فعالیتی سرمایه‌گذاری کرده باشند.

● دو نوع مالیات

چنانکه میدانیم دولتها نوعاً "از مردم بدو صورت مالیات می‌گیرند که اصطلاحاً "مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم نامیده میشوند، که مالیات مستقیم از درآمدهای مازاد بر هزینه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی در واقع عادلانه

ترین روش برای اخذ مالیات است زیرا هر کس درآمد زیادتری کسب کرد سهم بیشتری از هزینه‌های مملکت را می‌پردازد و برخورداران از درآمد کمتر سهم کمتر (هر که بامش بیش برفش بیشتر!) نوع دوم که مالیاتهای غیر مستقیم باشد همولاً سنگینی وزن آن بدوش عموم مردم اعم از پردرآمد یا کم درآمد بار میشود که استفاده‌کننده از این خدمات هستند، در این رابطه دولتها بدو صورت عمل میکنند، برخی از دولتها از مصارف غیر ضروری مانند سیگار و سایر مواد دخانی، مشروبات الکلی و لهو و لعب دیگر مالیاتهای گزاف می‌ستانند که حق همین است. اما در مقابل دولتهائی هم هستند که افزوده بر این از گردش و تفریح ساده و از بهداشت و فرهنگ و حتی از قوت لایموت مردم درآمد کسب میکنند که در این گونه موارد بخصوص مردم کم درآمد فشار واردا شده و چنین روشی از جنبه‌های اقتصادی اجتماعی و سیاسی بزیان مردم و دولت است که در اینجا ورود در جزئیات امر را مجال نیست.

● مالیات بر دستمزدها

مالیات بر حقوق و دستمزد که به بیانی آنرا مالیات بر هزینه مینامند بشرطی مشروع و عادلانه است که میزان آن بالا و غیر متعارف باشد و برای گیرنده دستمزد درآمدی مازاد بر هزینه جاری زندگی پدید آورد، و آنهم باید در شرایطی انجام شود که دولت مهار تورم را در دست داشته و افزایش قیمت‌ها توازن درآمد

و هزینه را بر هم نژده و کمیت زندگی کسانی را که در بخش خدمات دولتی و غیر دولتی کار میکنند لنگ نسازد.

در برخی از سیستم‌های اداری و مالیاتی دولت از آنجا که زورش نمیرسد از صاحبان درآمد‌های کلان مالیات حقه خود را دریافت کند از لیست پرداخت دستمزدها کم کرده و باین وسیله برای خود درآمد ایجاد میکند. از آنجا که در چنین سیستم‌های اداری کنترل تورم از اختیار دولت خارج می‌باشد ناگزیر برای جبران کسری هزینه کارکنان خود و کارگران و کارمندان بخش خصوصی، به خدمتگزاران خود مبلغی بابت اضافه کار پرداخت میکند بی آنکه عملاً کار اضافی وجود داشته باشد در حالیکه با حذف اینگونه مالیاتها میتوان از دست زدن به چنین روش نادرست و غیر اخلاقی اجتناب ورزید. البته در شرایطی که تورم مهار نشدنی باشد حتی پیروی از این روش هم مسئولیت دولت را در قبال تامین هزینه روزمره زندگی کارکنان بخش خدمات از میان نمیرود زیرا دولت یا باید پاهای تورم قیمت‌ها سطح دستمزدها را بالا ببرد و یا اینکه جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد.

رویه‌های اخذ مالیات در کشور سوئد

با توجه بمقدمه این گفتار کشور سوئد در رده ممالکی قرار میگیرد که اصول اقتصاد آزاد بر آن حاکم بوده و واحدهای اقتصادی آن کشور در سایه رقابت کامل و آزاد و در بخش تعاونی

بر اساس همکاری فردی و اجتماعی تولید کنندگان و مصرف کنندگان با یکدیگر فعالیت میکنند.

افزوده بر اینکه مردم آزاد و مخیرند باینکه برای زندگی بهتر و نوام با رفاه بیشتر بر رقابت یا همکاری با یکدیگر بپردازند دولت ملی و حکومت‌های محلی برای تامین نیازهای عمومی و انجام بسیاری از خدمات اقتصادی و اجتماعی که بهداشت فرهنگ و تامین رفاه مادی و معنوی از آن جمله‌اند از روز تولد تا واپسین دم زندگی شهروندان خود را مسئول دانسته و وظایفی را در این قلمرو بر عهده میگیرد.

برای تامین هزینه‌های خدماتی هشت میلیون جمعیت این کشور دولت ملی و شوراهای شهری که در اینجا حکومت‌های محلی نامیده شده‌اند به روش‌های مختلف مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم را وصول می‌نمایند.

نحوه دریافت عوارض و مالیات در سوئد و محل مصارف آن بگونه ایست که هر شهروند سوئدی در هر جای از کشور زندگی کند میتواند از خدمات اقتصادی و اجتماعی که توسط دولت ملی و محلی برنامه‌ریزی شده و در اختیار مالیات دهندگان قرار میگیرد برخوردار گردد. مردم سوئد بخش چشم‌گیری از درآمدهای

خود را بابت مالیات در اختیار دولت قرار میدهند. بروایت رسانه‌های گروهی در یک گردهم‌آئی اهالی استکهلم که با حضور اولاف پالمه فقید رهبر حزب سوسیال دمکرات و نخست وزیر وقت تشکیل گردیده بود عده‌ای از مردم بابت پرداخت مالیات‌های سنگین از

اولاف پالمه گله کرده بودند که: "آقای نخست وزیر چرا باید اینهمه مالیات بپردازیم؟" نخست وزیر در پاسخ گفت "تا دولت بتواند اینهمه خدمات را بسود شما مردم فراهم و هزینه آنها را بپردازد".

بعنوان جمله معترضه باید افزود در ممالکی که صاحبان درآمد‌های بزرگ و عمده براراده و تصمیم‌گیری دولتهای کشورهای خود نفوذ دارند بگونه‌های مختلف که پرداخت رشوه از آن جمله باشد از دادن مالیات سر باز میزنند. در نتیجه دولتهای اینگونه ممالک برای تامین هزینه‌های جاری بروش اخذ مالیاتهای غیر مستقیم روی می‌آورند. و در سوئد مالیاتها عمدتاً "مستقیم و بر درآمد ها وضع میشود که هر چه آن درآمد بیشتر مالیات متعلقه نیز سنگین تر خواهد بود کارفرما و صاحب صنعت سوئدی افزوده بر پرداخت مالیات بر درآمد بدولت می‌بایست بخشی از هزینه خدمات اجتماعی کارگران تحت استخدام خود را پذیرفته و پرداخت کند، که در جای خود نوعی مالیات مضاعف بشمار میرود، که در برگزیده هزینه‌های بهداشتی، درمانی و بازنشستگی کارگران و کارمندان آن واحد صنعتی و اقتصادی است که برخی از هزینه‌های مربوط به خدمات اجتماعی و اقتصادی را میتوان بر این فهرست افزود. مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر رسومات و مالیات‌های غیر مستقیم دیگر که بر روی برخی از کالاهای غیر ضروری وضع می‌شود بخشی از منابع درآمد دولت را پدید می‌آورد.

ریکسداگ RIKSDAG که پارلمان سوئد می‌باشد تنها مرجع و مقامی است که می‌تواند برای میزان و نرخ مالیات تصمیم بگیرد و مقامات محلی یا شوراهای شهر حق دارند در این رابطه رای و نظر خود را در مورد حوزه قلمرو خود ابراز کنند.

سوئد از جمله ممالکی است که توسط شرکتهای تجاری و صاحبان صنایع خود در ممالک بیگانه فعالیت داشته و سرمایه گذاری میکند، از اینروی برای جلوگیری از دریافت مالیات مضاعف از سرمایه‌گذارها توسط دولتهای بومی قراردادهایی را با آنها امضا کرده است.

مالیاتهای مستقیم در سوئد

مطابق قوانین این کشور اشخاص حقیقی باید بخزانه عمومی کشور و دولتهای محلی سوئد مالیات بدهند. بنابر قوانین مالیاتی سال ۱۹۸۵ علاوه بر مالیات برارث اشخاص حقوقی نیز باید بر اساس درآمد و دارایی خود بدولت مالیات بپردازند. چنانچه میزان وصول مالیات از درآمد اشخاص حقوقی از حد تعیین شده کاستی پذیرد دولت حق دارد تا میزان ۵۲٪ بر درآمد شرکتهای و موسسات بازرگانی مالیات وضع کند، تا بدینوسیله کسری درآمد دولتهای محلی جبران شود. بر همین اساس دولت میتواند تا ۴۰ درصد از درآمد سایر اشخاص حقوقی مالیات بگیرد. بر اساس قوانین مالیاتی سال ۱۹۸۵ اشخاص حقیقی موظف شدند بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از درآمد

خود را مالیات بپردازند و بر همین مبنی دولتهای محلی نیز حق دارند از راه وصول مالیات بدرآمدهای خود بیافزایند.

حکومت‌های محلی سوئد سالی یکبار حق دارند در مورد نرخ‌های مالیاتی تجدید نظر کنند و بوضع مالیات‌های تازه دست زنند. تا پیش از این تاریخ مقامات محلی ۳۰ درصد از درآمد اشخاص را مشمول مالیات میدانستند. ناگفته نماند که ۸۰ درصد از درآمد بالاترین سقفی است که میتوان مطالبه کرد. مالیات‌های دریافتی دولت از اشخاص دو نوع است مالیات مبنی و مالیات اضافی یا مکمل. تقسیم‌بندی فوق‌الذکر بخاطر پائین نگهداشتن نرخ مالیاتی است تا هر کس بتواند از درآمدهای حاصله خود مبلغی بعنوان مالیات بخزانه عمومی پرداخت کند و در صورت درآمد اضافی مالیات متعلقه را پرداخت و بدینوسیله از برخورد مستقیم دولت با مودیان مالیاتی جلوگیری شده و دولت هم از نقطه نظر منابع درآمد در تنگنا قرار نگیرد.

درآمدهائیکه در کشور سوئد مشمول مالیات میشوند در جدول‌های مالیاتی بعنوان واحد مبنی منظور میشوند. واحد مبنی عبارت است از مبلغی معین که تغییرات و تجدید نظرهای سالانه بر اساس آن صورت میگیرد. تجدید نظر نسبت به میزان مالیات در صورتی است که قیمت‌ها تغییر یابد. در سوئد کوشش میشود سیستم مالیاتی کشور از آسیب تورم بدور نگهداشته شود. واحد مبنی در سال ۱۹۸۵

چیزی در حدود ۷۸۰۰۰ کرون سوئدی بوده است و این واحد مبنی خاص درآمدهائی است که مشمول پرداخت مالیات میشوند. چنانکه در گذشته نیز اشاره شده است کشور ما از جمله ممالکی است که از دستمزد کارگران و کارمندان بدون توجه به تورم قیمت‌ها مالیات اخذ میگردد. در سوئد بعکس اگر بر اثر تورم قیمت‌ها سطح درآمد مالیات دهنده کاهش یابد مالیات نیز بر همین مبنی محاسبه میشود. بالاترین نرخ مالیاتی در سال ۱۹۸۵ چیزی در حدود ۲۰ درصد بود نه بیشتر. در صورت افزوده شدن درآمد شخصی بلافاصله نسبت به پرداخت مالیات تفاوت آن اقدام میشود.

در سوئد مالیات اضافی یا تکمیلی از صفر شروع میشود. در سال ۱۹۸۵ بیش از ۳۰ تا ۵۰ درصد از درآمدهای اضافی مالیات وصول شده است. بمنظور آگاهی مودیان مالیاتی از حداقل میزان مالیات پرداختی دونوع سقف مالیاتی برای درآمدهای اشخاص منظور گردیده است که یکی از آنها تفاوت احتیاطی نام دارد که هر مالیات دهنده باید یک ۲۰ درصد را پیش‌بینی کند که در صورت وجود اضافه درآمد قابل پرداخت است. نوع دوم اینکه پس از پرداخت مالیات سنواتی مودی مالیاتی باید آماده باشد که ۲۰ درصد دیگر ممکن است بر مالیات پیشین اضافه گردد.

بخش های عمده مالیات اشخاص حقیقی

با توجه بمنابع درآمد شخصی علاوه بر

مالیات معافیت هزینه‌ها نیز محاسبه میشود. در این رابطه معیارهایی نیز مورد نظر قرار میگیرد. معافیت مورد نظر تا ۱۰۰۰ کرون سوئدی شامل مالیات کارمندان میشود. تعدادی دیگر از منابع درآمد مشمول معافیت فوق شده که یک معافیت کلی نیز از آنجمله خواهد بود. از معافیت‌های دیگر که به افت درآمد شخصی مربوط میشود، درآمد ناشی از مدد‌ها و اشغال‌آلودان از معافیت مالیاتی برخوردار میشود. در گذشته نیز اشاره نمودیم که برای جلوگیری از برخورد ماموران یا مودیان محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است این محدودیت بکاهش نرخ-های مالیاتی مربوط میشود که از سال ۱۹۸۳ ملاک کار اخذ مالیات قرار گرفته است. غرض از محدودیت فوق الذکر این است که از افت منابع درآمد تا ۵۰ درصد جلوگیری نماید. در این مورد استثنائی وجود دارد که طبق مقررات مربوط بآن جبران خسارت نامیده میشود. یکی از هدفهای عمده معافیت‌های مالیاتی در مورد اشخاص حقیقی حفظ سطح رفاه اجتماعی است که بدینوسیله تعدیل میشود. کمک هزینه زندگی فرزندان و زنانی که از شوهران خود طلاق میگیرند از این معافیت برخوردارند.

به فرزندان که بدور از حوزه سرپرستی پدر یا مادر زندگی کنند تا مبلغ ۳۰۰۰ کرون سوئدی پرداخت میشود. به ارزیابان محلی اجازه داده شده است که برای مودیان معافیت‌های ویژه‌ای تا مبلغ ۷۵۰۰ کرون در نظر گیرند.

چنانچه مودی مالیاتی بعلت بیماری صعب‌العلاج مدتی طولانی زمین‌گیر و توانایی کار نداشته باشد افزوده بر معافیت فوق الذکر از معافیت مالیاتی بیشتر نیز استفاده خواهد کرد. که نقص عضو، از کار افتادگی ناشی از سالخوردگی و جراحات‌های پدیدآمده از تصادفات از آن جمله است که جزو معافیت‌های استثنائی شمرده میشود. حقوق‌های بازنشستگی که تنها ممر درآمد شخص باشد مشمول معافیت از مالیات است مگر آنکه شخص بازنشسته جزو حقوق بازنشستگی درآمدی اضافی بدست آورد. طبق مقررات الحاقی قانون مالیات بر درآمد چنانچه معلوم شود پس از محاسبه مالیات در آمد مودی مالیاتی کمتر از حداقل مبنی تعیین شده باشد که باید صرف هزینه زندگی همسر، فرزند بی‌وابسته تحت تکفل خود نماید از معافیت بهره‌مند میشود.



پس اندازهای مشمول معافیت‌های مالیاتی

در سوئد پس‌اندازها تا مبلغ ۳۰۰۰۰ کرون از معافیت مالیاتی استفاده میکنند. تا آوریل سال ۱۹۸۳ این روش در سوئد متداول بود.



معافیت‌های مالیاتی

پاره‌ای از بدهی‌های شخصی (اقساط معوقه) که جزو مطالبات یا دارایی شخصی شیت میشوند میتوانند از معافیت‌های مالیاتی برخوردار گردند. داشتن همسر تحت تکفل

(خانه‌دار) و همچنین بچه‌های زیر ۱۸ سال سبب میشود مودی مالیاتی از یک معافیت ۱۸۵۰۰ کرونی بهره‌مند گردد. اتحادیه‌های کارگری تا مبلغ ۴۸۰ کرون در قبال بدهیهای خود معاف میشوند.

مقررات ویژه مالیات همسران

در کشور سوئد درآمد‌های ناشی از کار را در گروه یک و درآمد‌های ناشی از سرمایه گذاری را در گروه دو طبقه‌بندی میکنند. از درآمد افراد وابسته بگروه یک بعنوان مودیان فردی مالیات اخذ و از افراد وابسته بگروه دو بعنوان مودیان مشاع مالیات دریافت میشود. که مالیات شرکتها نیز از آنجمله است. قانون مذکور تا سال ۱۹۸۵ ملاک دریافت مالیات بود. چنانچه مودی گروه دوم تکفل زن و فرزند باشد تا ۵۰۰۰ کرون درآمد اولیه او جزء درآمد گروه یک محسوب میشود.

مالیات مسکن

دارندگان خانه یا مستقلات بدون استفاده مشمول مالیات بوده و مالیات آن بر اساس سهای ملک محاسبه میشود. چنانچه سهای آن افزوده شود بین ۲ تا ۸ درصد مالیات اضافی بآن تعلق خواهد گرفت. این گونه مودیان چنانچه هزینه‌هایی برای نگهداری ملک متحمل شوند که از درآمد برآورد شده بکاهد متقابلاً " از

معافیت مالیاتی استفاده خواهند کرد. شرکت‌های ساختمانی - تعاونیهای مسکن که فعالیتهای غیرانتفاعی انجام میدهند از معافیت فوق‌الذکر تا ۳ درصد بهره‌مند خواهند شد که در برگیرنده هزینه مسکن است.

در اینگونه موارد از دو روش استاندارد

و مقابله (قرار دادی) پیروی میشود که شرکت‌های انتفاع فردی ساختمانی بروش قرار دادی عمل کرده و پس از وضع هزینه‌ها (تعمیرات) درآمد خود را محاسبه و صورت میدهند و مقامات مالیاتی بر همین اساس مالیات مربوطه را تقویم و برآورد میسازند. در موارد استثنائی با مالکین متصرف نیز برای محاسبه مالیات بروش قرار دادی رفتار میشود. اعضای شرکت‌های تعاونی مسکن باید مالیات شخصی بدولت بپردازند چنانچه ارزش سهام شرکت تعاونی مسکن از ۵۰۰۰۰ کرون سوئد بیشتر باشد اعضاء باید نسبت باین افزایش ارزش تا ۳ درصد مالیات پرداخت نمایند که این قیمت اضافی جزء درآمد آنها محسوب میگردد.

مالیات برثروت

تقویم مالیات بر اموال موقوفول باین است که شهرداری ارزش مال را برآورد کند. و تعیین مالیات بر اینگونه اموال تابع روش استاندارد مالیاتی است که قبلاً" نیز بدان اشاره نمودیم مقامات شهرداری هر پنج سال یکبار نسبت باموال غیر منقول چنین ارزیابیهای را بعمل

میاورند. صرفنظر از اینکه ملک مورد ارزیابی یکباب خانه، مزرعه یا هر چیز دیگر باشد.

مالیات بر درآمدهای سرمایهای

دولت سوئد از سرمایه‌های منقول یا اموال شخصی که منبع درآمد قرار گیرند (درآمدهای اتفاقی) مالیات اخذ میکند. مالیات مذکور افزوده بر مالیات‌هایی است که صاحب درآمد باید بدولت بدهد. در صورتی که سرمایه‌مورد بحث دستخوش زیان یا خسارت شود بهمان نسبت از پرداخت مالیات معاف میماند.

اینگونه مالیات‌ها از سه سیستم پیروی میکنند و بدان منوط میشود که نحوه فروش کالا یا دارائی چگونه باشد. از جمله درآمدهای حاصل از فروش اموال غیر منقول بدون توجه به مدتی که در مالکیت فروشنده بوده مشمول پرداخت مالیات میشود. فروش با بهائیهایی بیش از قیمت خرید از حقوق صاحب مال است بشرط آنکه قیمت فروش از چارچوب بهای تعیین شده جهت کالاهای مصرفی که در لیست مربوط آن ثبت شده تجاوز نکند. فهرست قیمت برای مالکیت چهار سال اول ملاک نیست. مالیات املاک مسکونی که در استفاده شخصی مالک باشد میتواند معوق بماند.

طبق قوانین مالیاتی که تا پایان سال ۱۹۸۳ معتبر بوده سرمایه حاصل از فروش سهم یا سهام تعاونیهای مسکن (منتصرف مالک) در صورتی مشمول پرداخت مالیات قرار می‌گیرد که

از تاریخ خرید ظرف مدت پنج سال مورد معامله قرار گیرد. لیکن از سال ۱۹۸۴ این قانون تغییر کرد و ظرف زمانی از روی آن برداشته شد. هزینه‌هایی که برای رفع نقص و تکمیل ملک صورت گیرد در برآورد مالیاتی محاسبه و مشمول معافیت خواهد شد.

فروش سهام یا هر نوع مشارکت تجارتي صرفنظر از مدت زمان مالکیت آن تابع مقررات پرداخت مالیات میباشد.

در تعیین مالیات بر درآمد ناشی از فروش مال مدت مالکیت فروشنده از دید ارزیابی مالیاتی بدور نمی‌ماند. سود متعلقه به سهم‌الشرکه‌ایکه مدت دو سال در تصرف منتصرف باشد مشمول مالیات بر درآمد می‌گردد و در صورتیکه این مدت پیش از دو سال باشد فقط از ۴۰ درصد آن مالیات گرفته میشود. تا اواخر سال ۱۹۸۳ باینگونه درآمدها مالیات مضاعف تعلق میگرفت (فروش سهام شرکتها پس از دو سال از انقضای مدت خرید آن که در استکهلم مبادله میشده است) اما تغییر قانونی مربوطه مبلغ مشمول مالیات از جمع درآمد کسرو بطور جداگانه محاسبه می‌شده است. بجز مورد فوق سایر اموال و دارائی سرمایه‌ای مورد معامله بشرطی در لیست مالیاتی قرار می‌گیرند که کمتر از پنج سال در مالکیت یا مورد استفاده صاحب آن باشد. در خلال مدت فوق الذکر مقدار سود حاصل از دارائی مورد فروش از ۱۰۰ درصد به ۲۵ درصد آن کاهش خواهد یافت.

مالیات بر شرکتها

بپرداخت مالیات مربوطه میباشد. در صورت تعلق سهام یا مشارکت یک شرکت به یک نفر یا گروه کوچکی از اشخاص حقیقی پرداخت مالیات مربوطه تابع مقررات ویژه است.

مالیات سود سهام و صندوق اعتبار کارکنان

در سال ۱۹۸۴ در چارچوب صندوق بیمه کارکنان سیستمی ابداع شده است که سرمایه صندوق مذکور قابل عرضه به بازار پولی کشور باشد. عبارت دیگر صندوق بتواند بخشی از موجودی خود را در فعالیتهای اقتصادی سرمایه گذاری کند. باید دانست سرمایه صندوق مورد بحث از محل ۲۰ درصد مالیات سود سهام موسسات تجاری موسسات اقتصادی (شرکتهای تعاونی)، ۲ درصد حق بیمه وظیفه بگیران تامین میشود. ارزیابان مالیاتی با توجه به تورم قیمتها مالیات سود سهام این صندوق را محاسبه مینمایند. از اینسرواز سود یا در آمد واقعی مالیات کسر میشود. چنانچه میزان پرداختی صندوق به وظیفه بگیران از ۵۰۰۰۰۰۰۰ کرون سوئدی کمتر باشد سود متعلق بان شرکت مشمول بخشودگی مالیاتی قرار خواهد گرفت.

بخشودگیهای ناشی از کاهش ارزش

بهنگام ارزیابی مالیاتی ماشینآلات و لوازم سرمایهای مدت خدمت آنها و میزان استهلاک شان نیز از دید ارزیاب بدور نمی ماند. این بخشودگی میتواند تا ۳۰ درصد ارزش

شرکتها و واحدهای اقتصادی سوئد دارای قوانین مالیاتی مستقل هستند و در سوئد مالیات نه بسود حاصل از سهام شرکتها بلکه بشخص سهامدار تعلق میگیرد. واحدهای اقتصادی کشاورزی و مدیریتهای مالی نیز از مقررات مالیاتی فوق الذکر پیروی میکنند.

مقررات ویژه شرکتها و موسسات اقتصادی

در کشور سوئد افزوده بر درآمد شرکتها تجارتی سود سهم یا سهام شرکاء نیز مشمول پرداخت مالیات میشود.

که باید آنرا نوعی مالیات مضاعف بشمار آورد. در این مورد استثناهایی نیز در نظر گرفته میشود. بمنظور تشویق سهام و سهامداران جدید سرمایه گذاری در فعالیتهای اقتصادی و تقویت بنیه مالی واحدهای اقتصادی اینگونه سهام از بخشودگی مالیاتی استفاده خواهند کرد. مطابق قانون جدید این بخشودگی تا ۷۰ درصد سود قابل تقسیم را در بر میگیرد که جمع مبلغ معافیت سالیانه نباید از ۱۵٪ سرمایه یا ۷۰۰۰۰۰۰ کرون سوئدی بیشتر شود. انتقال سود شرکت میان اعضا (سهامداران) مشروط بان است که شرکت رسماً وضعیت و منافع مشترک و تعهدات خود را در قبال شرکتها و موسسات دیگر تجارتی اعلام دارد. چنین انتقالی را سرمایه گذاری یا مشارکت گروهی می نامند که شرکت اعطا کننده از پرداخت مالیات معاف و شرکت دریافت کننده موظف

گسترده‌تر و محدودیت‌های‌شان کمتر بود، این کشورها به گونه‌ای دیگر عمل می‌کردند. در اتحادی برخاسته از نیازها و امکانات‌شان، نیازهای یکدیگر را در نظام تجاری مطلوب خود پاسخ می‌گفتند و امکان رشد و توسعه را برای هم فراهم می‌نمودند. اما حوادث این گونه پیش نرفته و این همکاری آن گونه که باید تحقق نیافته است. در میان دلایل این عدم همکاری و اتحاد نیز، می‌توان از فشارهای اقتصادی - سیاسی انبوه بدهی آنها که هر یک را به واکنشی جدای از دیگران واداشته است، به عنوان یک عامل اصلی نام برد.

در میان راه‌حل‌های ارائه شده برای مقابله با بحران بدهیها در شرایط حاضر، نیز جز سرباز زدن از پرداخت کل بدهیها یا قسمت اعظم آن، راه‌حل قابل اجرا و قابل قبول دیگری وجود ندارد. و این مهم نیز امکان‌پذیر نیست جز، با همکاری و اتحاد سیاسی - اقتصادی کشورهای جهان سوم و تغییر ساختارهای اقتصادی - سیاسی کشورهای زیر سلطه. اینک در چه زمانی این آرمان تحقق خواهد یافت؟ چگونه و از کجا این حرکت شروع خواهد شد؟ و دهها سؤال دیگر در این خصوص، قابل طرح است که پاسخ بدانها به هیچ‌روی با یقین کامل امکان‌پذیر نیست. معهذا یک نکته مسلم است، آنکه در جریان این انتقال ثروت و سرمایه بیش از همه صدمه می‌بیند و می‌سوزد، ملت‌های در بند هستند و حوادث تاریخ نشان داده است که: اگرچه بیدار شدن ملل فقیر و زیر سلطه مشکل است، اما پس از بیدار شدن، آرام کردن آنها اصولاً غیرممکن است.

از این دیدگاه می‌توان در خزان بحران بدهیهای خارجی جهان سوم، جوانه‌های همکاری و اتحاد بین آنان را هم دید.



بقیه از صفحه ۴۷

برآورد شده در بیلان سالیانه موسسه اقتصادی رادر برگیرد. مقررات الحاقی مالیاتی میگوید مبلغ استهلاک نباید از ۲۰ درصد قیمت خرید کالای سرمایه‌ای تجاوز نماید. باین ترتیب مدت این معافیت بیش از پنج سال نخواهد بود و از سال ششم به بعد سرمایه مذکور مشمول پرداخت مالیات میشود. این بود فشرده‌ای از مقررات مالیاتی در کشور سوئد.



همکاران گرامی آقایان شهرام و بهرام شرفی
مصیبت وارده را تسلیم می‌گوییم